



## درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۲

مصادف با: ۲۶ شوال ۱۴۴۴

موضوع کلی: فقه رمز ارزها  
موضوع جزئی: بررسی قفهی - ۲. معامله رمز ارز - اشکال هشتم: سفهی بودن - بررسی اشکال هشتم -

اشکال نهم: ربوی بودن - بررسی اشکال نهم

جلسه: ۴۳

# «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

بحث در اشکالات و شبهاتی بود که پیرامون معامله رمز ارزها مطرح است و برخی به واسطه این شبهات، قائل به عدم جواز و عدم صحت معامله با رمز ارزها و بر رمز ارزها شده‌اند. قبلاً هم این نکته را متعرض شدیم که اشکالاتی که نسبت به معامله رمز ارز مطرح شده یا ممکن است مطرح شود، به عناوین مختلف صورت گرفته است. عناوینی که به واسطه آنها در مورد معامله رمز ارزها شبهه کرده‌اند و آن را دارای اشکال دانسته‌اند، مختلف است؛ لکن چه بسا برخی از اینها قابل تجمیع است و همه آن موارد یا برخی از آن موارد، منشأ یک اشکال و شبهه شده است.

### اشکال هشتم

از جمله شبهاتی که در مورد معامله رمز ارز شده، این است که معامله رمز ارزها یک معامله سفهی است؛ آن نکته‌ای که الان اشاره کردم، اینجا تطبیق می‌دهم؛ این معامله سفهی به چه ملاکی تحقق دارد؟ چرا معامله رمز ارز یک معامله سفهی است؟ یک عده می‌گویند چون مالیت ندارد؛ یک عده می‌گویند چون معتبری برای آن وجود ندارد؛ یک عده می‌گویند چون ضمانتی برای آن وجود ندارد. همه اینها هم تحت عنوان معامله سفهی مطرح نشده؛ مستقلاً اینها را به عنوان شبهه مطرح کرده‌اند. مثلاً شبهه عدم مالیت را قبلاً ذکر کردیم و پاسخ دادیم؛ اما خود عدم مالیت منشأ شده برای اینکه معامله رمز ارزها را یک معامله سفهی بدانند. حالا خواهیم گفت که تعریف معامله سفهی چیست. یا مثلاً این مطلب را در بحث استخراج مطرح کردیم که رمز ارز هیچ معتبری پشت آن وجود ندارد، در حالی که پول‌ها و شبه پول‌ها نیازمند وجود معتبر هستند یا تضمینی نسبت به اینها وجود ندارد. اینها همه می‌تواند منشأ شود برای اینکه معامله رمز ارزها یک معامله سفهی باشد.

در اشکالات دیگر هم همینطور است؛ مثلاً در بحث غرر خواهیم گفت که این مسأله تحقق دارد. بعضی‌ها می‌گویند معامله رمز ارزها یک معامله غرری است و لذا باطل است. اما چرا غرری است؟ منشأ غرر از دید برخی جهالت و مجهول بودن رمز ارز است؛ از دید برخی، ابهامی که در رمز ارز وجود دارد باعث می‌شود معامله رمز ارز یک معامله غرری شود. یا مثلاً برخی ممکن است بگویند چون قدرت بر تسلیم رمز ارز وجود ندارد، معامله غرری می‌شود. غرر یک عنوانی است که مناشی مختلف می‌تواند داشته باشد. در مقام طرح شبهه، برخی عنوان غرر را به عنوان شبهه مطرح کرده‌اند و برخی به آن مناشی پرداخته‌اند؛ لذا مثلاً سه چهار اشکال و شبهه مطرح می‌شود، در حالی که اینها قابل تجمیع است. این نکته را من از این جهت عرض کردم که بعضاً عناوین جزئی به عنوان شبهه مطرح شده و گاهی یک عنوان کلی که می‌تواند مبطل معامله باشد، مطرح شده است. اما چون در نوشته‌جات و سخنان، این دو از هم تفکیک نشده و شبهات گاهی با عناوین جزئی و گاهی با عناوین کلی، یا به تعبیر

دیگر گاهی در قالب مناشی یک عنوان موجب بطلان و گاهی با خود همان عنوان مطرح شده است و ما می‌خواهیم همه شبهات را پاسخ بدهیم، لذا خیلی اینها را تفکیک نکردیم.

به هر حال یکی از اموری که به عنوان شبهه مطرح شده و به آن استناد شده برای بطلان معامله رمز ارز، این است که معامله رمز ارز یک معامله سفهی است. یعنی یک قیاسی تشکیل می‌شود؛ صغرای آن قیاس این است: معامله رمز ارزها، معامله سفهی است. کبری هم این است که معامله سفهی باطل است. نتیجه اینکه معامله رمز ارزها باطل است.

از دید مستشکل و کسی که شبهه وارد کرده، هم صغری مسلم است و هم کبری. یعنی می‌گوید معامله رمز ارزها یک معامله سفهی است. معامله سفهی هم در عرف و هم در اصطلاح فقها عبارت است از معاملاتی که نوعاً عقلاً به آن مبادرت نمی‌کنند و بیشتر مناسب انجام آن از سوی یک شخص سفیه است. سفیه کسی است که قدرت تشخیص مصالح و مفاسد را ندارد، رشد ندارد؛ ممکن است یک جنس ارزانی را گران بخرد یا یک جنس گرانی را ارزان بفروشد. اگر فرض کنیم همه ارکان یک معامله تمام باشد، حتی متعاملین عاقل باشند، اما اگر این معامله را به عقلاً عرضه کنیم، می‌گویند این غیرعقلایی است و این معامله پذیرفته نیست. یک معامله‌ای است که به هر حال از نظر عقلاً پذیرفته نمی‌شود. در بررسی صغری، بیشتر در این باره توضیح می‌دهیم.

پس اگر گفتیم معامله سفهی، معامله‌ای است که انجام آن از سوی عقلاً و شخص عاقل مورد انتظار نیست، (به دلیل همین جهتی که عرض کردیم) معامله رمز ارزها هم اینطور است؛ چون:

بیان اول: یک کسی یک مبلغ قابل توجه یا ملک یا یک شیء با ارزش را بدهد و در مقابل آن رمز ارز بگیرد، این یک معامله سفهی است. چون رمز ارز مالیت ندارد. اینجا آن نکته‌ای که عرض کردم، می‌تواند خودش را نشان بدهد. چرا معامله با رمز ارز یا بر رمز ارز سفهی است؟ چون اینها گمان می‌کنند مالیت ندارد؛ آدم یک چیزی که مال است و با ارزش است و مالیت آن مسلم است، بدهد و در مقابل آن چیزی بگیرد که حداقل مالیت آن مبهم است یا توهم مالیت در مورد آن شده؛ این می‌شود یک معامله سفهی.

بیان دوم: یا اینکه ممکن است کسی بگوید این معامله سفهی است، چون رمز ارز معتبر و اعتبارکننده‌ای ندارد؛ چیزی که اعتبارکننده‌ای پشت آن باشد، مثل پول که اعتبار آن مسلم است، این را انسان بدهد و در مقابل یک چیزی که اعتبارکننده‌ای ندارد دریافت کند. یا مثلاً یک شیئی که دارای ارزش واقعی است، مثل یک زمین، بدهد و در مقابل آن رمز ارز بگیرد که اصل اعتبار آن زیر سؤال است. اگر پول بگیرد، معتبر دارد؛ دولت‌ها و بانک‌ها آن را اعتبار کرده‌اند.

بیان سوم: بیان دیگر برای سفهی بودن معامله رمز ارزها این است که رمز ارزها تضمینی ندارند؛ هیچ کسی ضامن آنها نیست. وقتی ضمانتی پشت اینها وجود ندارد، ما چطور می‌توانیم معامله کنیم بر چیزی که هیچ تضمینی ندارد و ممکن است نابود شود. هر سه مورد می‌تواند باعث سفهی بودن معامله شود. پس معامله با رمز ارزها یا معامله بر رمز ارزها یک معامله سفهی است. البته همانطور که اشاره شد، خود این سه منشأ جداگانه و بدون اینکه تحت عنوان سفهی بودن معامله قرار بگیرند، از سوی برخی به عنوان شبهه مطرح شده‌اند؛ از جمله مسأله عدم مالیت، که ما این را مستقلاً ذکر کردیم؛ تحت عنوان اینکه عوضین باید مالیت داشته باشند، و یکی از شرایط عوضین مالیت آنهاست و رمز ارزها این شرط را ندارند، به عنوان یک شبهه مطرح شد.

اینجا هم وقتی به عنوان معامله سفهی مطرح می‌شود، یکی از مناشئ سفهی بودن، عدم مالیت است. ببینید چطور این شبهات از زوایای مختلف مطرح می‌شود؛ هر چند حقیقت اینها یک امر است.

راجع به کبری هم می‌گویند این روشن است که معامله سفهی باطل است.

وقتی صغری مسلم شد و کبری ثابت شد، نتیجه این است که معامله رمز ارزها باطل<sup>۱</sup>.

### بررسی اشکال هشتم

این شبهه و اشکال هم به نظر می‌رسد قابل پاسخ است. ما هم نسبت به صغرای استدلال مستشکل و هم نسبت به کبرای آن بحث داریم.

### بررسی صغری

اما در مورد صغری، اینکه گفته‌اند که معامله رمز ارز سفهی است، باید ببینیم آیا واقعاً آن معیاری که برای سفهی بودن این معامله ذکر شده، اینجا منطبق است یا نه. ملاحظه فرمودید سه منشأ برای سفهی بودن معامله رمز ارز ذکر شد.

یکی عدم مالیت بود، که ما این را در گذشته پاسخ دادیم و گفتیم شبهه عدم مالیت رمز ارز مردود است؛ اثبات کردیم که رمز ارز مالیت دارد.

منشأ دوم، عدم وجود معتبر بود؛ این را هم در گذشته در بحث استخراج بررسی کردیم و گفتیم در مورد رمز ارزها درست است دولت‌ها و بانک‌های رسمی و مرکزی بسیاری از کشورها این را به رسمیت نشناخته‌اند، اما به هر حال این اعتبار از سوی جمعی از عقلا صورت گرفته و دارای ارزش شده است. سازمان‌ها و اشخاص یا نهادهایی به عنوان معتبر محسوب می‌شوند و لذا صرف توهم نیست. بالاخره این اعتبار از یک جایی آغاز شده و توسط جمع بسیاری از عقلا مورد پذیرش قرار گرفته است.

اما منشأ سوم که تضمینی برای رمز ارزها وجود دارد، این را عرض کردیم اصل اینکه شرط صحت معامله این باشد که نسبت به عوضین تضمینی صورت بگیرد، این جای بحث دارد. چه تضمینی باید واقع شود؟ دلیل شرعی گفته باید نسبت به عوضین تضمین صورت بگیرد؟ بالاخره رمز ارزها ارزش پیدا کرده‌اند و این مورد اعتنا عقلا هم هست؛ دیگر فراتر از این چیزی به عنوان لزوم تضمین نداریم.

بنابراین نسبت به صغری به نظر می‌رسد جای ایراد و خدشه هست.

سؤال:

استاد: ما فعلاً به طور کلی بحث می‌کنیم؛ اینکه رمز ارزها را به دو قسمت تقسیم کنیم، آن موقع هم گفتیم که می‌گویند بعضی رمز ارزها پشتوانه دارند و بعضی‌ها ندارند. معیار پشتوانه چیست و آیا اصلاً خود این قبول است یا نه، این یک بحث جداگانه می‌طلبد. بعضی‌ها به طور کلی در همان پشتوانه خدشه کرده‌اند؛ حتی نسبت به رمز ارزهای دارای پشتوانه می‌گویند مالیت ندارد. ما فی‌الجمله اینجا داریم کلیت معامله را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### بررسی کبری

در مورد کبری و اینکه هر معامله سفهی باطل باشد، این جای بحث دارد.

اولاً: در مورد خود معاملات سفهی یک اختلافی وجود دارد و آن اینکه آیا سفهی بودن از دید نوع و اغلب عقلا ملاک است یا

یک امر شخصی است؟ علت اینکه این پرسش را مطرح کردیم، این است که در تعاریفی که در کتاب‌های فقهی مطرح شده، این تعبیر آمده که اگر معامله‌ای از سوی اغلب مردم پذیرفته نشود، به گونه‌ای که اغلب مردم معتقدند این معامله از سوی یک شخص سفیه صادر شده و الا شخص عاقل چنین معامله‌ای انجام نمی‌دهد؛ این تعبیر و تعریف ظهور در این دارد که ملاک در سفهی بودن معامله، قضاوت اغلب مردم است؛ بنابراین یک امر نوعی است. اما برخی مثل امام(ره) تصریح می‌کنند که اگر یک غرض صحیح عقلایی ولو به صورت شخصی در پی معامله باشد، برای خروج از سفهی بودن کفایت می‌کند. مثلاً کسی یک مبلغ هنگفتی پول بپردازد برای اینکه یک دست نوشته‌ای از اجدادش را بدست بیاورد؛ ممکن است این از دید غالب مردم یک معامله سفهی باشد؛ چه اینکه گاهی عامه مردم می‌گویند که این همه پول داده و یک کاغذ پاره گرفته است؛ در حالی که این یک غرض صحیح عقلایی است. یا مثلاً کسی پول کهنه می‌دهد و پول نو می‌گیرد و یک چیز اضافه هم می‌دهد؛ تبدیل پول کهنه به پول نو، بالاخره یک غرض صحیح عقلایی پشت آن است. یا پول خرد را تبدیل به پول درشت کردن یا بالعکس؛ اینها همه اغراض صحیح عقلایی است. ممکن است این غرض‌ها نادر باشد و خیلی فراگیر نباشد، اما به هر حال همین برای خروج از سفهی بودن کفایت می‌کند. این یک مسأله است که باید توجه کنیم اساساً معامله سفهی در حقیقت چه معامله‌ای است.

ثانیاً: اینکه در مورد خود معامله سفهی و در مورد حکم معامله سفهی اختلاف است. درست است که بسیاری حکم به بطلان معامله سفهی کرده‌اند اما برخی هم نسبت به بطلان معامله سفهی تردید کرده‌اند؛ برخی معتقدند معامله سفهی باطل نیست. من خیلی وارد این بحث کبروی نمی‌خواهم بشوم؛ چون اینجا بحث‌هایی واقع شده که اساساً معامله سفهی چرا باطل است. بعضی این را تحت عنوان اکل مال به باطل قرار داده و گفته‌اند معامله سفهی مشمول آیه «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» می‌شود و لذا از این جهت، آن را باطل دانسته‌اند؛ برخی هم به ملاک دیگری قائل به بطلان شده‌اند. اما به هر حال خود این محل بحث است که آیا ما واقعاً دلیلی بر بطلان معامله سفهی داریم یا نداریم. می‌گویند آنچه که اینجا وجود دارد، بطلان معامله سفیه است و نه بطلان معامله سفهی. کسی که سفیه باشد، اگر معامله کند به واسطه اینکه نمی‌تواند مصالح و مفاسد را تشخیص بدهد، می‌گویند کأن عقل ندارد. یکی از شرایط صحت معامله، عقل است. کسی که سفیه است، گویا از این عنصر بی‌بهره است؛ برای همین است که در تعریف معامله سفهی می‌گویند معامله سفهی معامله‌ای است که اگر به عقلاً عرضه شود، عقلاً آن را نمی‌پذیرند؛ چون می‌گویند انسان عاقل چنین معامله‌ای نمی‌کند. یعنی این معامله گویا از سوی یک شخص سفیه صورت گرفته است.

پس خود این کبری که به عنوان بطلان هر گونه معامله سفهی از آن یاد شده، این محل بحث است؛ هم از حیث اصل حکم به بطلان و هم از جهت شمول و قلمرو آن، و هم از جهت ادله آن؛ ما الان نمی‌خواهیم وارد آن بحث شویم. لذا اگر کلیت این کبری به هر دلیلی و از هر زاویه‌ای مورد خدشه قرار بگیرد، این استدلال که صورت قیاس شکل اول را دارد منتج به نتیجه نخواهد شد.

فتحصل مما ذكرنا كلة كه اشكال و شبهه هشتم وارد نیست.

سؤال:

استاد: ممکن است از دید مستشکلین و ایرادکنندگان شبهه، به هر دلیلی این خودش مستقلاً به عنوان یک اشکال و ایراد مطرح شود؛ یا یک عنوانی زیر مجموعه دو تا عنوان دیگر قرار بگیرد، مثل عدم مالیت. عدم مالیت از جهات مختلف اینجا می‌تواند

مطرح شود؛ هم به عنوان سفهی بودن، هم به عنوان اینکه یکی از شرایط عوضین را ندارد، اینها چیزهایی است که اینجا می‌تواند مطرح شود.

### اشکال نهم

شبهه نهم که خیلی هم بحثی ندارد، شبهه ریاست. البته شاید در بعضی نوشته‌جات که بیشتر جنبه خطابی دارند تا یک مکتوب علمی، مطرح شده و آن اینکه معاملات با رمز ارز یا بر رمز ارز، ربوی هستند. صورت استدلال به این شبهه برای بطلان معامله بر رمز ارزها هم یک قیاس شکل اول است؛ معامله بر رمز ارزها ربوی است؛ هر معامله ربوی باطل است؛ پس معامله بر رمز ارزها هم باطل است.

### بررسی اشکال نهم

در مورد کبرای این قیاس بحثی نیست؛ هر معامله ربوی حرام است. با توجه به اینکه دو قسم ربا داریم، ربای معاملی و ربای قرضی، این کلیت مطرح است که هر معامله ربوی حرام است یا ربا کلاً حرام است؛ البته در ربای قرضی یک شرایطی داریم و در ربای معاوضی یک شرایط دیگری داریم. لذا کبری بحثی ندارد.

اما در مورد صغری، اینها معتقدند که معامله بر رمز ارز یک معامله ربوی است ولی تقریر آن اگرچه مشکل است. یعنی تصویر ربا در معامله رمز ارزها تا حدی سخت است؛ به حدی که ممکن است انسان در آغاز امر بگوید این استدلال باطل کما تری؛ یعنی وضوح بطلان آن یک امر روشن است. چون مشکل در مورد صغری است؛ یک تصویر روشنی برای اینکه معامله رمز ارزها یک معامله ربوی باشد، ارائه نکرده‌اند. ما هر چه تلاش کنیم، اگر موضوع ربا را به عنوان موضوع یک حکم شرعی در نظر بگیریم، خیلی مشکل است که بخواهیم این را در مورد رمز ارز تصویر کنیم و ببینیم آیا ربای معاملی در رمز ارز می‌تواند تحقق پیدا کند. مثلاً در ربای معاملی دو شرط داریم: یکی اینکه عرفاً جنس عوضین یکی باشد؛ مثلاً اگر این گندم است، آن هم گندم باشد. دیگر اینکه عوض و معوض مکیل یا موزون باشند. این دو شرط باید باشد. این چگونه در رمز ارز می‌خواهد تحقق پیدا کند؟ ربای قرضی هم برای خودش یک محدوده‌ای دارد و عمده این است که کسی که چیزی را به دیگری می‌دهد، آن را همراه با زیاده بگیرد. در ربای معاوضی گفتیم مکیل و موزون بودن و هم‌جنس بودن شرط است؛ این در معدودات جریان ندارد، اما در ربای قرضی این محدودیت نیست؛ مهم شرط زیاده است، یک پولی می‌دهد و می‌گوید با این زیاده به من بده؛ حالا اینکه این زیاده عینی باشد یا حکمی، این جای بحث دارد. اینجا آیا این تحقق دارد؟ در بعضی صورت‌های خاص ممکن است به زحمت بتوانیم این را تصویر کنیم؛ لذا به نظر می‌رسد شبهه نهم هم مردود است. چون اساساً صغرای آن قابل اثبات نیست.

«والحمد لله رب العالمین»